

این تدبیر و تمهید رسیده که رد آن را می توان در برخی انتخابها و اقدامات و اتفاق هایی که در این مدت ۹ ماهه صورت گرفت پیدا کرد. گرچه هنوز سینمای ایران خیلی کار دارد تا به آن وضعیت پویای پایدار برسد. در این گزارش تلاش می کنیم تا با مرور و خوانش ایده ها و اقدامات دولت چهاردهم در حوزه سینما به تصویری اجمالی از موقعیت سینمای امروز برسیم.

۴ وفاق ملی و خروج از انزوای بین المللی

با ارجاع به صحبت های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان سینمایی در دولت چهاردهم باید دو ابرپروژه را به مثابه هدف کلان پیش ببرد: اولین آن وفاق ملی و دیگری خروج ایران از انزوای بین المللی و حضور پررنگ تر فرهنگی در عرصه جهانی است که لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می شوند. این به معنای پذیرش تکثر، صداها و سلیقه های گوناگون در ذیل نظام تولید است. به این معنا که نه فقط از حیث فرمی شاهد تنوع ژانری در تولید فیلم باشیم که باید اندیشه ها و رویکردهای متفاوت اندیشه ای هم امکان حضور در تولید فیلم داشته باشند. خود رائد فریدزاده گفته: «سازمان سینمایی یک نهاد تنظیم گراست» که قاعده تاً باید قادر به ایجاد توازن بین تمام گونه های سینمایی باشد و این به معنای تمرکز بر یک گونه خاص و تعطیل کردن گونه های دیگر نیست. این تنظیم گری اما فقط به تنوع ژانری محدود نمی شود و نیازمند توجه به تنوع گفتمان های سینمایی هم است؛ به عبارت دیگر هم تنوع فرمی و هم تنوع فکری تا در وهله نهای شاهد شکل گیری نوعی کثرت تولیدات سینمایی باشیم. به این معنا که فیلمسازان ایرانی با گرایش های فکری مختلف از امکانی برابر برای تولید فیلم و روایتگری برخوردار باشند و سینما از انحصار یک گفتمان خاص رهایی یابد. فریدزاده در مراسم معارفه خود گفته بود: «اگر بتوانیم در عین تکثر و تفاوت ها صدای واحدی را در عرصه جهانی منعکس کنیم قطعاً در عرصه های بین المللی هم شنیده خواهد شد.» این یعنی پذیرش تکثر و چندصدایی در سینمای ایران. همچنین در حکم انتصاب او به عنوان رئیس سازمان سینمایی بر «صیانت از تنوع فرم و محتوای سینمای ایران متناسب با نیاز مخاطبان ایرانی و جهانی» تأکید شده است. تحقق این سخن در ساخت سینما این است که ابتدا شکاف بین سینما و دولت کم شود و این جز با کاهش تصدی گری دولت در حوزه سینما ممکن نیست. اگر قرار باشد سینما ملی شود، قطعاً این هدف از مسیر دولتی بودن سینما نمی گذرد. تقویت و حمایت از اصناف سینمایی می تواند سیاستی

راهبردی و راهگشاه در این مسیر باشد تا در دولت وفاق به سینمای ملی نزدیک شویم و چه بسا بتوان «سینمای وفاق» را نام دیگر سینمای ملی گذاشت. بی اعتمادی بین سینماگران و دولتمردان، حفره بزرگی ایجاد کرده که چرخه سینما را در ساختار و وضعیت موجود با دست اندازها و سقوط همراه می کند. تا این شکاف و فاصله کم نشود، نمی توان چیزی بر سینمای ایران افزود. صالحی، وزیر ارشاد در معارفه رئیس سازمان سینمایی هم بر وفاق بین دولت و ملت به عنوان مهم ترین ضلع گفتمان وفاق تأکید کرد و گفت: «بخش وسیعی از نخبگان کشور می توانند پل ارتباطی بین دولت و ملت باشند و این اقشار با وزارت فرهنگ و ارشاد مرتبط هستند. آنان در ارتباطی خوب می توانند یک انسجام درونی با حاکمیت و ملت شکل بدهند.»

برای رسیدن به این هدف در سینما باید ابتدا بی اعتمادی سینماگران به سیاست گذاران و مدیران دولتی را کم کرد و اولین گام در این مسیر، حل مشکلات قضایی سینماگرانی است که ممنوع الکار یا محبوس شده اند. رفع ممنوع الکاری هائیه توسلی، مصدافی از این سیاست و گامی عملی در رفع تکلف ها و ایجاد وفاق بود که باید تداوم داشته باشد تا شاید اعتماد از دست رفته سینماگران برگردد.

۴ جشنواره فیلم فجر، یک گام به جلو

جشنواره فیلم فجر به مثابه بزرگ ترین رخداد سینمایی سال همواره در کانون توجه بوده است. نه فقط در کانون توجه سینماگران یا اهالی رسانه که در افکار عمومی و مردم علاقه مند به سینما هم مورد توجه قرار می گرفت. اما در چند سال اخیر این جشنواره در ترازیک ترین وضعیت تاریخی خود قرار گرفته بود که مهم ترین نماد و نمود آن را



اگر قرار باشد سینما ملی شود، قطعاً این هدف از مسیر دولتی بودن سینما نمی گذرد. تقویت و حمایت از اصناف سینمایی می تواند سیاستی راهبردی و راهگشاه در این مسیر باشد تا در دولت وفاق به سینمای ملی نزدیک شویم و چه بسا بتوان «سینمای وفاق» را نام دیگر سینمای ملی گذاشت

می توان در قهر کردن خود سینماگران از این جشنواره دانست. وضعیتی پیچیده که اگر پیش از این با بحران مشروعیت سینما از سوی مخاطبانی مواجه بودیم که با سینما قهر کرده بودند و به سینما نمی رفتند، حالا این عدم مشروعیت با خود سینماگران تشدید شده بود. این یعنی بحران مشروعیت مضاعف سینمای ایران که از فروش و نمایش به تولید و مصرف فیلم رسیده بود؛ جشنواره فیلم فجر را هم تعلیق کرده بود؛ جشنواره ای که نه مخاطبان که سینماگران هم دیگر به آن بر سر مهر نبودند، اساساً دل و دماغ جشنواره رفتن نداشتند و عملاً جشنواره فیلم فجر به جشنواره ای خنثی و بی رمق تبدیل شده بود. جشنواره ای که سینما را در کانون توجه جامعه قرار می داد به محاق رفت و نقش سینمایی و فرهنگی خود را از دست داد. امسال هم گرچه جشنواره رونق دوره های طلایی خود را نداشت اما از رخوت چند سال اخیر خارج شد و پویایی بیشتری پیدا کرد. شاید نمایش ویژه چند فیلم توقیف شده مثل «رکسانا» به کارگردانی پرویز شهبازی و بیش از همه نمایش فیلم «پیر پیر» اثر اکتای براهانی مهم ترین اتفاقات جشنواره امسال بود که بار دیگر امید به بازگشت سینمای اجتماعی اثر بخش را در دل سینما دوستان ایجاد کرد و این امید در آنها تقویت شده که دولت جدید با حمایت و بستر سازی های لازم برای تولید و نمایش فیلم های خوب بتواند گام بلندی برای بازگشت حال خوب به سینما بردارد. با توجه به اینکه محصول سیاست گذاری ها و به اصطلاح تغییر ریل گذاری در سینما در دولت جدید در جشنواره سال بعد خود را نشان می دهد این انتظار و امید ایجاد شده که سال بعد شاهد جشنواره فیلم با شکوه تری باشیم.

۴ بازنگری در نظام کلان تولید

بی شک هر نوع تغییر و تحولی در سیاست گذاری سینمایی، حاصلش در عرصه تولید نمایان می شود و بعد در عرصه اکران و نمایش مورد دآوری عمومی قرار می گیرد. از این رو از حیث درون ساختاری، مهم ترین ساحتی که نیازمند تغییر و تحول است سازوکارهای تولید در سینماست که بحث عدالت هنری هم در همین عرصه رخ می دهد. شاید مهم ترین انتظاری که سینماگران از هر مدیر سینمایی دارند اصلاح و بازنگری در نظام تولید باشد. فریدزاده در این باره معتقد است: «مشکلانی در بخش تولید تا اکران فیلم وجود دارد که نیاز به بازنگری جدی و اساسی در آن حس می شود. به عنوان مثال می بینیم که صنف از بضاعت قبول مسئولیت برخی کارهایی که توسط دولت انجام می شود، برخوردار است. در شرایطی که این توانایی وجود دارد، چرا دولت باید آن را برعهده گیرد؟